

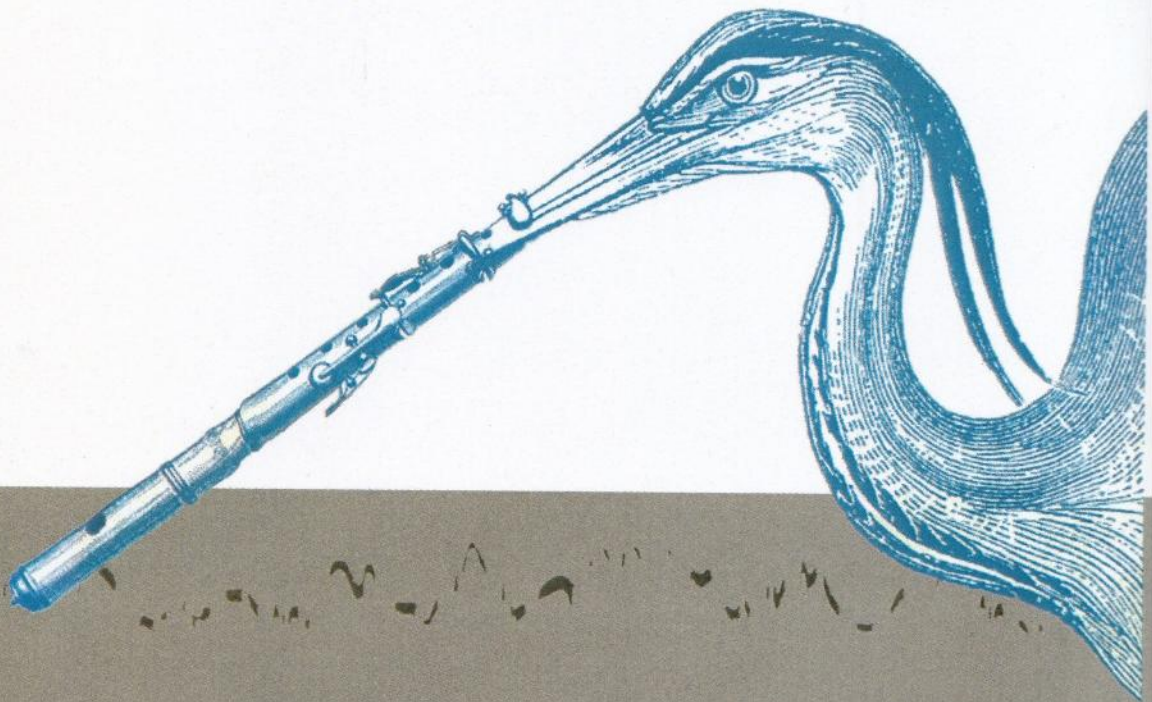
چاپ سوم



ریشه های موسیقی

نیلز والین، بیورن مزکر، استیون براون

ترجمه پرتو اشراق



عنوان و نام پدید آور : ریشه‌های موسیقی / به کوشش نیلز والین، بیورن میزیکر، استیون براون؛
ترجمه پرتو اشراق.
مشخصات نشر : تهران، ناهید، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۶۰۸ ص.
شابک : 978-964-6205-99-4
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
یادداشت : عنوان اصلی: The origins of music, c2000
موضوع : موسیقی - منشأ
موضوع : انسان - تکامل
موضوع : موسیقی‌شناسی
شناسه افزوده : والین، نیلز لنارت. Wallin, Nils Lennart
شناسه افزوده : مرکر، بیورن. Merker, Bjorn
شناسه افزوده : براون، استیون، ۱۹۶۳ - م. Brown, Steven
شناسه افزوده : اشراق، پرتو، ۱۳۲۰ - ۱۳۹۱، مترجم.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۸ ۹۴ ر / ۳۸۰۰ / ML
رده‌بندی دیویی : ۷۸۱ / ۱
شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۷۹۱۸۹

- نیلز والین، بیورن میزیکر، استیون براون
- ریشه‌های موسیقی
- ترجمه پرتو اشراق
- حروف چینی: شبستری
- چاپ اول: ۱۳۸۸
- چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۹
- چاپ سوم: زمستان ۱۴۰۰
- چاپ دوستان
- شمارگان: ۱۱۰ نسخه
- همه حقوق محفوظ است.



انتشارات ناهید
تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

- سایت: www.naahid.com
- پست الکترونیکی: naahidbooks@yahoo.com
- فروش اینترنتی: www.behanbook.ir

فهرست

۹	درآمد
۱۵	مقدمه
۲۳	فصل یکم: آغاز
۲۵	بخش یکم: مقدمه‌ای بر موزیکولوژی تکاملی استیو براون، بیورن میزیکر، نیلز والین
۵۳	فصل دوم: ارتباط صوتی میان حیوانات
۵۵	بخش دوم: گفتار در باب بیو-موزیکولوژی سیما آرون
۵۹	بخش سوم: نهاد موسیقی و سخن: بصیرت جانوران پیتر مارلر
۸۱	بخش چهارم: آوای پرندگان: سرچشمه و کاربرد پیتر اسلاتر
	بخش پنجم: چه چیز در آوای پرندگان نهفته است؟ زمینه‌های وابسته
۹۹	به سلسله اعصاب در پرندگان هنگام آموختن آوا کارول والینگ
۱۱۳	بخش ششم: خشم و هیاهو: نخستین آواها به عنوان واکنش احساس و پندار مارک هاووزر
۱۴۳	بخش هفتم: آواز گیون و موسیقی انسانی در چشم‌انداز تکاملی توماس گایسمان
	بخش هشتم: تشکیلات اجتماعی به عنوان عامل اصلی در
۱۶۷	ریشه‌های زبان، و موسیقی ماریا اوجیلی

- بخش نهم: آوازهای متغیر و پیاپی نهنگ گوژپشت: پنجره‌ای بر
 عرصه خلاقیت در حیات وحش ۱۷۹
 کاترین پابین
- فصل سوم: موسیقی، زبان، و تکامل بشر ۱۹۹
 بخش دهم: آیا مطالعه تکامل زبان برای بیو-موزیکولوژی مفید است؟ ۲۰۱
 درک بیکرتون
- بخش یازدهم: نظریه تکاملی موسیقی و زبان ۲۱۷
 ژان مولینو
- بخش دوازدهم: نیورولوژی و بیولوژی موسیقی ۲۳۱
 هری جریسون
- بخش سیزدهم: تکامل مغز انسان نخستین، و خاستگاه موسیقی ۲۵۵
 دین فالک
- بخش چهاردهم: مطالعه فسیلی در باب پیدایش سخن ۲۷۹
 دیوید فرایر، کریس نیکلای
- بخش پانزدهم: چشم‌اندازهای نو در باب آغاز موسیقی: تشریح و مطالعه
 استخوان‌های میان‌سنگی «فلوت»، به لحاظ باستان‌شناسی و موزیکولوژی ۲۹۹
 دراگو کونژ، ایوان تورک
- فصل چهارم: انگارهایی در باب جوهر موسیقی ۳۳۷
 بخش شانزدهم: «موزیلنگ» نمونه تکامل موسیقی ۳۳۹
 استیو براون
- بخش هفدهم: چرا موسیقی قالب‌پذیر نیست: در باب ریتم، تکرار (تقلید)، و معنا ۳۷۳
 بروس ریچمن
- بخش هیجدهم: همسرایی همزمان، و ریشه‌های بشر ۳۹۱
 بیورن میزیکر
- بخش نوزدهم: تحوّل و تکامل موسیقی انسانی از طریق انتخاب جنسیت ۴۰۵
 جفری میلر
- بخش بیستم: شبیه‌سازی تکامل رفتار موزیکال ۴۴۹
 پیت تاد
- بخش بیست‌ویکم: مبنای قدیم هنر در نخستین رابطه مادر و طفل شیرخوار ۴۸۵
 الین دیسانایاکی

- بخش بیست و دوم: نقش نیورویولوژیکِ موسیقی در همبستگی اجتماعی ۵۱۱
والتر فریمن
- فصل پنجم: کمال در موسیقی ۵۳۱
- بخش بیست و سوم: استعداد آدمی در پردازش موسیقی و جامعیت موزیکال ۵۳۳
ساندرا تره‌هاب
- بخش بیست و چهارم: مسألهٔ قابلیت‌های ذاتی در ارتباط موزیکال ۵۵۵
میشل ایمرتی
- بخش بیست و پنجم: ژرف‌اندیشی موسیقی‌شناس فرهنگی در صدای موزیکال،
و فرهنگ موزیکال ۵۷۵
برونو نیتل
- بخش بیست و ششم: لزوم کمال موزیکولوژی و مسایل آن ۵۹۳
فرانسوا برنار ماشه
- فصل ششم: پایانِ آغاز ۶۰۳
- بخش بیست و هفتم: گوش کردن به موسیقی ۶۰۵

بخش یکم

مقدمه‌ای بر موزیکولوژی تکاملی

اکنون که می‌خواهیم به عرصه نوین موزیکولوژی تکاملی وارد شویم مشاهده می‌کنیم که دریافت مبانی نوین در باب ریشه‌های موسیقی منوط به نگاه تازه و هیجان‌انگیزی است که به موضوع تکامل بشری و درک آن می‌اندازیم. چنین موضوعی البته قدیم است و مطالعه آن از تکامل زبان آغاز می‌گردد. دیدگاه زبان - محور در مطالعه تاریخ تحولات انسانی پیش از هر چیز موسیقی را دربر می‌گیرد و بعد به کیفیت آن توجه می‌کند، زیرا موسیقی ابزار ویژه و صریحی برای گشت و گذار در ساختار جامعه انسانی، بافت جمعی و رفتار فرهنگی در اختیار ما می‌گذارد. تولید موسیقی سرآمد فعالیت‌های فرهنگی بشر بوده است، همه جا حضور دارد، و عنصر همیشه حاضر جوامع کوچک و بزرگست. مطالعه تحول و تکامل موسیقی مانند چراغی که نور می‌افشاند اهمیت موضوعی چون شیوه تولید صدای بشری را روشن می‌کند؛ ساختار علایم ارتباط صوتی را توضیح می‌دهد، و بافت جامعه بشری را به نمایش می‌گذارد و بعد به مبانی دیگر از قبیل تقسیم کار بین گروه‌های مختلف، قابلیت و استعداد ابزارسازی و استفاده از آن، حالت‌های نمادین سر و دست، تعیین مکان و منظر مغز و ساختار آن، ملودی و ریتم در سخن، ساختار عبارت و گزاره در زبان، ارتباط والدین و فرزندان، کسب مراحل متعالی در احساس و رفتار از طریق صدا، درک عناصر فردی و عادت‌های شخصی و مکانیزم‌های همزمان، خود-بیانی و پاکسازی احساسات و عواطف، بیان خلاقیت و جمال، پیوند روحانی و عرفانی بشر، و البته وابستگی کامل به ذات موسیقی را مد نظر قرار می‌دهد.

جوهر موسیقی و ریشه‌های بشری

موسیقی چیست و ریشه‌های تکاملی آن کدامست؟ موسیقی به چه درد می‌خورد و چرا جوامع بشری همه دارای موسیقی هستند؟ وجوه تکاملی موسیقی و عملکردش میان فرهنگ‌ها چگونه است؟

این سوال‌ها از اساسی‌ترین مبانی نظری است که میان اعضای جنبش موزیکولوژی تطبیقی برلین در نیمه اول قرن بیستم بحث‌های داغ به وجود آورد و چهره‌های بزرگ و معتبری مانند کارل استامپف، روبرت لایخ، اریک فون هورنبوستل، اوتو آبراهام، کورت ساخس، و ماریوس اشنایدر در این باره سخن گفته‌اند.^۱ در پایان دهه ۴۰ با تمام مطالعات عمیقی که صورت گرفته بود تحقیق دیدگاه‌های تکاملی موسیقی به کندی و تاریکی گرایید و حتّاً بی‌اعتبار شد و به شکل مندرسی درآمد. آنچه جایگزین این بحث‌ها شد و قایعی کاملاً سیاسی بود از آن دست که مجبور بودند جهت نگاه خود را عوض کنند و در محافل علمی به جنبه‌های علوم اجتماعی توجّه نمایند که پیش از جنگ دوّم بین‌الملل مکتب اروپایی مطالعه موسیقی را به اصولی مجهّز نمود که در آمریکا، پس از خاتمه جنگ، منجر به خلق چشم‌اندازهای فرهنگی از دیدگاه مردم‌نگاری گردید و موزیکولوژی در صدر این پژوهش‌ها قرار گرفت. این دو جریان اروپایی و آمریکایی ذاتاً با انقلاب و نوآوری میانه‌ای نداشتند و تفکر بیولوژیکی و تکاملی موزیکولوژی و مردم‌شناسی موزیکال را به شدت رد می‌کردند. به نظر می‌رسید، موزیکولوژی به حکم و فتوای رسمی احتیاج نداشت، مانند انجمن زبان‌دانان پاریس در ۱۸۶۶ برای بیگانه جلوه دادن ریشه‌های موسیقی میان موزیکولوژیست‌ها به دستور رسمی یا اجازه‌نامه دولتی نیاز پیدا نمی‌کرد. مخالفان راحت از این‌ها می‌توانستند این بحث را به گرداب تیرگی بیاندازند و موجبات فراموشی آن را فراهم آورند. موزیکولوژی اما واسطه نمی‌خواست، صریح و راست بود و خود موجودیّت درونی خویش را به نمایش می‌گذاشت. به گمان ما به عنوان عامل مطالعه در ریشه‌های بشری نقش خود را کاملاً آشکار نمود و در عین حال به توسعه نظریه عمومی موسیقی کمک کرد.

بحث ما در اینجا راجع به تحولات عمیق و همه‌جانبه‌ای است که می‌توانیم آن‌ها را به عنوان موضوع ریشه‌های موسیقی مورد تفرّس قرار دهیم. همینقدر که این مقاله نکته‌ای را

۱. برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره تاریخچه مکتب برلین به کتاب تل و بولمن مراجعه کنید: مقالاتی از بلوم، کریستن‌سن، رینگر و اشنایدر.

برای اهل پژوهش روشن می‌کند کافیهست. با مطالعه مطلب به این نتیجه می‌رسیم که موسیقی و شگردها و رفتار آن دیگر هرگز نمی‌تواند در بافت و ساختار تکامل بشری مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد و فراموش شود. موسیقی از وجوه درونی و خفته در بطن نهاد و تاریخ بشری خبر می‌دهد که دست‌کم در سه گروه مشخص طبقه‌بندی می‌شود. اول این که موسیقی یک شیوه و رفتار فرهنگی چندوجهی و تکاملی است که کاربردهای گوناگون دارد، و هیچ وجهی از وجوه تکامل بشری بدون درک مفهوم آیین‌های موسیقی و رقص امکان‌پذیر نیست. حتی اگر فقط نگاهی اجمالی و شتابزده به زندگی و فرهنگ‌های سنتی بیاندازیم درمی‌یابیم که موسیقی و رقص بخش ویژه‌ای از رفتار اجتماعی را تشکیل می‌دهد، کارهای روزمره زندگی نیز با موسیقی همراه است، از شکار گرفته تا چوپانی، رمه‌داری، قصه‌گویی، و بازی‌های کودکان، و روایات شب‌های بلند زمستانی، همه به شکلی از موسیقی بهره گرفته‌اند، از لباس شستن گرفته تا خوردن، دعا کردن، خوابیدن، تمرکز کردن، از عشق و ازدواج گرفته، تا مراسم شفا دادن و راندن ارواح خبیث و تدفین مردگان، و عزاداری برای ایشان. بنابراین مطالعه ریشه‌های موسیقی هسته مرکزی رفتار فرهنگی بشر را تشکیل می‌دهد.

دوم، این که تحولات زبان اکنون یکی از ارکان مطالعاتی تکامل بشری تلقی می‌شود که همگام با موسیقی در یک مسیر معین حرکت می‌کند و هر روز به اهمیت آن افزوده می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که زبان و موسیقی هر دو به یک اندازه در تطوّر و کمال بشر سهیم بوده‌اند. بنابراین مطالعه زبان و افت و خیز آن همراه با مطالعه موسیقی انجام می‌پذیرد و روشن است که موسیقی در این سیر ازلی بر زبان تأثیرات عمده گذاشته است. در حرکت به سوی این دو عامل چسبیده به هم از عرصه‌های متفاوتی عبور می‌کنیم، از پهنه سخن - آوا، از توسعه و انبساط مغز آدمی و درک انواع مفاهیم نامتقارن، از تکامل کاربرد ادراک، از ترتیب و نظم و نحو در زبان، از مفهوم اشارات و حرکات نمادین و مکانیزم‌های بسیار دیگری که در احساس و درک عصبی دخالت می‌کنند و موجودیتشان در مراحل مختلف زبان و موسیقی لازمست.

سوم، این که موسیقی سهم مهمی در مهاجرت‌های قومی و برخوردارهای تاریخی و فرهنگی دارد. به علاوه جابه‌جایی ژنتیک و تحولات زبانی با موفقیت خود را به عنوان عناصر مهاجرت‌های انسانی به ثبت رساندند (کاوالی - اسفوزا، منوتزی؛ و پیاتزا ۱۹۹۴/سه تن دانشمند ایتالیایی که حاصل مطالعات خود را درباره رابطه موسیقی و زبان انتشار دادند). بنابراین هر چه حجم موسیقی بیشتر شود نیروی بیشتری پدید می‌آید و تفحص در تکامل بشر و نحوه تطوّر جسمی / روحی و فرهنگی او آسان‌تر انجام خواهد گرفت. موسیقی اقوام و

برای اهل پژوهش روشن می‌کند کافست. با مطالعه مطلب به این نتیجه می‌رسیم که موسیقی و شگردها و رفتار آن دیگر هرگز نمی‌تواند در بافت و ساختار تکامل بشری مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد و فراموش شود. موسیقی از وجوه درونی و خفته در بطن نهاد و تاریخ بشری خبر می‌دهد که دست‌کم در سه گروه مشخص طبقه‌بندی می‌شود. اول این که موسیقی یک شیوه و رفتار فرهنگی چندوجهی و تکاملی است که کاربردهای گوناگون دارد، و هیچ وجهی از وجوه تکامل بشری بدون درک مفهوم آیین‌های موسیقی و رقص امکان‌پذیر نیست. حتی اگر فقط نگاهی اجمالی و شتابزده به زندگی و فرهنگ‌های سنتی بیاندازیم درمی‌یابیم که موسیقی و رقص بخش ویژه‌ای از رفتار اجتماعی را تشکیل می‌دهد، کارهای روزمره زندگی نیز با موسیقی همراه است، از شکار گرفته تا چوپانی، رمه‌داری، قصه‌گویی، و بازی‌های کودکان، و روایات شب‌های بلند زمستانی، همه به شکلی از موسیقی بهره گرفته‌اند، از لباس شستن گرفته تا خوردن، دعا کردن، خوابیدن، تمرکز کردن، از عشق و ازدواج گرفته، تا مراسم شفا دادن و راندن ارواح خبیث و تدفین مردگان، و عزاداری برای ایشان. بنابراین مطالعه ریشه‌های موسیقی هسته مرکزی رفتار فرهنگی بشر را تشکیل می‌دهد.

دوم، این که تحولات زبان اکنون یکی از ارکان مطالعاتی تکامل بشری تلقی می‌شود که همگام با موسیقی در یک مسیر معین حرکت می‌کند و هر روز به اهمیت آن افزوده می‌شود و چنین به نظر می‌رسد که زبان و موسیقی هر دو به یک اندازه در تطوّر و کمال بشر سهیم بوده‌اند. بنابراین مطالعه زبان و افت و خیز آن همراه با مطالعه موسیقی انجام می‌پذیرد و روشن است که موسیقی در این سیر ازلی بر زبان تأثیرات عمده گذاشته است. در حرکت به سوی این دو عامل چسبیده به هم از عرصه‌های متفاوتی عبور می‌کنیم، از پهنه سخن-آوا، از توسعه و انبساط مغز آدمی و درک انواع مفاهیم نامتقارن، از تکامل کاربرد ادراک، از ترتیب و نظم و نحو در زبان، از مفهوم اشارات و حرکات نمادین و مکانیزم‌های بسیار دیگری که در احساس و درک عصبی دخالت می‌کنند و موجودیتشان در مراحل مختلف زبان و موسیقی لازمست.

سوم، این که موسیقی سهم مهمی در مهاجرت‌های قومی و برخوردهای تاریخی و فرهنگی دارد. به علاوه جابه‌جایی ژنتیک و تحولات زبانی با موفقیت خود را به عنوان عناصر مهاجرت‌های انسانی به ثبت رساندند (کاوالی-اسفوزا، منوتزی؛ و پیاتزا ۱۹۹۴/سه تن دانشمند ایتالیایی که حاصل مطالعات خود را درباره رابطه موسیقی و زبان انتشار دادند). بنابراین هر چه حجم موسیقی بیشتر شود نیروی بیشتری پدید می‌آید و تفحص در تکامل بشر و نحوه تطوّر جسمی/روحي و فرهنگی او آسان‌تر انجام خواهد گرفت. موسیقی اقوام و



انتشارات تاهید

روایات اساطیری درباره موسیقی همانا دریافت آدمیانِ دوردست از پدیده‌های طبیعی بوده است. وقتی باد در نیستان می‌افتاد پدران نخستین ما تصور می‌کردند خدایانند که می‌نوازند.

مثل هنرهای دیگر، موسیقی هم در عصر مسیحیت شخصیت منحصر یافت و به راهی وارد شد که قواعد اصولی برای آن تدوین گردید و مفاهیمش با لحنی بیان شد که به لحاظ آن هویت هنری یافت.

در دوره اعتلای مسیحیت، بنا بر تعریف و ماموریت موسیقی، به علت تغییرات شگرفی که به موجب اصول فیزیولوژیک در ادراک و احساس آدمی پدید آمده بود، در بنیان‌های فرهنگی جوامع عنوان هنر به آن اطلاق گردید.

روایات گوناگونی در اساطیر وجود دارد که صورت استعاری دارند، اما در اصل - کم و بیش همه - به یک نظریه فلسفی اشاره می‌کنند که بر الویت موسیقی در جهان هنر و زبان (تکلم) تاکید دارد.

در کتاب حاضر موسیقی از بنیان مورد مطالعه قرار گرفته و رابطه آن را با رشد جسمی بشر و استعداد تکلم وی روشن می‌کند.

در اوج موسیقی صفاتی برایش در نظر گرفتند، از جمله این که بر ماهیت و کیفیت حیات بشری مثلاً فصاحت و بلاغت در سخن، تردید یا یقین در امور، حکمت، خرد، ریاضیات، نجوم و علوم دیگر از طریق زبان که شاخه‌ای از درخت تناور موسیقی بود، سلطه و حکومت داشت.

حکایت موسیقی را از صدر تا ذیل در این کتاب بخوانید.

ISBN:978-964-6205-99-4



9 789646 205994